

یادنامه‌ای از فرانتس تئودور اشتراوس

دکتر موسی ایرانشهر*

گیاه‌شناسانی که درباره فلورا ایران بررسی و تحقیق می‌کنند بیشک با نام اشتراوس آشنائی دارد.

اشتراوس گیاه‌شناس نبود ولی خدمات ارزنده‌ای در مورد جمع‌آوری گیاهان غرب ایران و ارسال نمونه‌ها به گیاه‌شناسان بنام عصر خود انجام داده است. او خود در نامه مورخ سپتامبر ۱۸۸۴ به ارنست اشتال^۱ استاد گیاه‌شناسی دانشگاه ینا در آلمان خود را چنین معرفی می‌کند: "من جمع‌آوری گیاهان و خشک کردن آنها را طبق اصول بلدم ولی گیاه‌شناس نیستم که خود آنها را طبقه‌بندی کنم". او دو سوم زندگی پرماجرایی خود را در ایران گذراند و با زبان فارسی بخوبی آشنا بود.

فرانتس تئودور اشتراوس در روز ۱۶ ژانویه ۱۸۵۹ در کلاین بوکا^۲ نزدیکی مونسبرنسدروف^۳ در چند کیلومتری جنوب غربی شهر گرا^۴ واقع در ناحیه تورینگن^۵ آلمان متولد شد. او دومین پسر دهقان تهی دستی بنام یوهان گوتفرد اشتراوس^۶ بود که فرزندان زیادی داشت.

فرانتس تئودور هشت ساله بود که در اثر یک حادثه بازوی چپ خود را از دست داد. او دیگر نتوانست در کارهای مزرعه به پدرش کمک کند و فقط بمراقبت گوسفندان میپرداخت. در مدرسه دهکده مشغول تحصیل شد ولی مدرسه عطش یادگیری او را تأمین نمی‌کرد و در بیرون از مدرسه کتابهایی را که بدستش می‌رسد با اشتیاق فراوان مطالعه می‌کرد. پدرش او را از خواندن منع می‌کرد ولی او عصرها با یکدست از چراغ کوچک بالا رفته و در روشنائی آن کتاب می‌خواند. او زبان لاتین را پیش کشیش دهکده فرا گرفت و پس از بیپایان رساندن تحصیل در مدرسه دهکده نزدیک وکیل دادگستری بعنوان منشی مشغول کار شد. در پانزده سالگی برای فرار از سختگیریهای خانواده و زندگی روستائی تصمیم بمسافرت گرفت و با اندوخته ناچیزی که فراهم کرده بود به فرانکفورت و از آنجا به کنستانس رفته، و از طریق تیرول به سالزبورگ و وین سفر کرد. ولی بعلت بیماری بوسیله پلیس دوباره بخانه پدر و مادرش برده شد.

1- Ernst Stahl

2- Klein Bocka

3- Munchenbernsdorf

4- Gera

5- Thuringen

6- Johann Gottfried Strauss

سه سال بعد از اولین مسافرتش اشتراوس جوان بقصد تفلیس دوباره براه افتاد، بعد از چهار روز به پراگ رسید و از طریق هنگری بررومانی رفت. هنگام عبور از ناحیه والاشی^۱ راهزنان او را لخت کردند. پس از رهائی از چنگ راهزنان بطرف جنوب رومانی راه افتاد و در آلکساندریا کاری برای خود پیدا کرد ولی بعلت نداشتن گذرنامه با اتهام جاسوسی از طرف پلیس دستگیر شد. گذرنامه او که قرار بود از پرسبورگ (براتیسلاوا) برایش فرستاده شود هنوز بدستش نرسیده بود که اشتراوس پس از رفع اتهام آزاد و به وین مراجعت نموده ولی از آنجا دوباره بطرف شرق راه افتاده و خود را بسر حد روسیه رسانید. پس از گذشتن از استپ‌های مولداوی و کوههای قفقاز در جاده تفلیس با دسته قزاق‌ها همراه شده و بالاخره در ۲۱ ماه مه ۱۸۷۷ خود را به تفلیس رساند. این مسافرت پیاده و پرماجرا از اروپا به آسیا نشان دهنده قدرت اراده اشتراوس جوان و کوشانی او جهت رسیدن به هدف مشخص بود.

اشتراوس یکسال و نیم در تفلیس ماند و در آنجا با راه و رسم تجارت آشنا شده و زبانهای روسی انگلیسی و فارسی را با کوشش فراوان یاد گرفت. آنگاه همراه یک کاروان زوار کربلا بسمت شمال ایران به راه افتاده و خود را به حاجی آباد کردستان رساند و در آنجا بایک بازرگان انگلیسی آشنا شده و شروع به کار کرد. او با آداب و رسوم و احتیاجات مردم خیلی زود آشنا شد. ضمناً "جمع آوری اشیاء عتیقه، فسیل‌ها، حیوانات و گیاهان منطقه نیز توجه زیادی داشت، علیرغم نقص عضو سوارکار، تیر انداز و شکارچی ماهری بود و از هیچ خطری وحشت بخود راه نمی‌داد.

در سال‌های ۱۸۷۹ و ۱۸۸۰ اشتراوس به جمع آوری گیاهان حاجی آباد پرداخته است ولی مجموعه گیاهان این منطقه، بعلت اغتشاشات کردستان از بین رفته است.

اشتراوس با دکتر پولاک، پزشک در بار ایران رابطه نزدیک داشت همچنین با کناپ^۲ و همسفرزمین شناس او دکتر پولیک^۳ آشنائی داشت. در کاوش‌های فانیکوف^۴ در اطراف مراغه که منجر به کشف فسیل‌های پستانداران دوره پلیوسن شد همکاری داشت. بعلاوه اشتراوس در کاوشهای ساحل شرقی دریاچه ارومیه فسیل‌های جمع‌آوری کرد که بوسیله وایتهورف^۵ بررسی و منتشر شد. در بین این نمونه‌ها فسیلی بافتخار کاشف آن

1- Valachie

2- Knapp

3- Dr. Polig

4- Khanykov

5- Weithoffer

اشتراوس^۱ نامگذاری گردید.

در ماه مه ۱۸۸۵ اشتراوس در اطراف تبریز و تخت سلیمان به جمع آوری گیاهان پرداخت که آنها را به هاوسکنخت^۲ گیاه شناس معروف بفرستد. ولی بعلت عزیمت اشتراوس به تهران در حدود پنجهزار شماره از گیاهان جمع آوری شده فرستاده نشد و در غیبت طولانی او از بین رفت.

در پائیز ۱۸۸۵ از طرف شرکت تجارتي زیگلر و شرکاء که مرکزش در منچستر بود، اشتراوس به سمت نمایند^۳ برگزیده شد که در شهرهای تبریز، تهران و سایر مناطق ایران نمایندگی آن شرکت را دایر کند. او طرحهایی در باره توسعه و پیشرفت صنعت قالیبافی در ایران تهیه و ارائه داد که در مقابل ورود پارچه های ساخت منچستر قالی ایران را بااروپا صادر کند. اشتراوس هنگام مسافرت به تهران در نوامبر ۱۸۸۵ در رشت با اوتواستاپف^۴ گیاه شناس اطریشی ملاقات کرد. او پس از رسیدن بتهران سفری با اسب برای انجام امور تجارتي به مشهد انجام داد و از آنجا به ترکستان رفت. پس از مراجعت از این سفر در تابستان ۱۸۸۶ به سلطان آباد (اراک) که در آن زمان دهکده ای بیش نبود رفته و نمایندگی شرکت زیگلر را برپا نمود.

اشتراوس بزبان فارسی و آداب و رسوم مردم آشنائی داشت و معمولاً " در مسافرتهايش لباس ایرانی می پوشید و این خصوصیات کمک زیادی در کارهایش با او می کرد. او صنعت قالیبافی را در سلطان آباد ترقی داده و در مدت رنگ آمیزی تغییراتی بوجود آورد و بخاطر این فعالیت ها موفق بدریافت نشان شیر و خورشید از طرف شاه ایران شد.

اشتراوس در سلطان آباد فعالیت جمع آوری گیاهان را از سر گرفت. در ۱۸۸۷ گیاهانی از لرستان و اطراف سلطان آباد جمع آوری کرد که آنها را بنا بتوصیه رئیس شرکت زیگلر به رودلر^۴ زمین شناس اطریشی فرستاد. این نمونه ها بوسیله استاپف^۵ بررسی شد و دو گونه جدید بنامهای *Fritillaria Zagrica stapf*, *Thalictrum sultanabadense stapf* شرح داده شد.

1- *Olcostephanus Straussii* Weith

2- *Hausknecht*

3- *Otto Stapf*

4- *Rudler*

5- *Stapf*

اشتراوس باهاوسکنخت مکاتبه مرتب داشت و او را دائما " در جریان برنامه‌ها و فعالیت هایش می‌گذاشت: او در نامه ۲۷ آوریل ۱۸۸۹ خود اینطور مینویسد:

" تاکنون فقط گیاهانی از اطراف سلطان‌آباد جمع‌آوری کرده‌ام. رستنی‌های نزدیک شهر، بویژه در دشت و در جهت دریاچه نمک تا حدودی یکنواخت است. در آنجا ورک و نوعی زنبق پوشش گیاهی را تشکیل می‌دهد. در کوهستان پوشش تغییر می‌کند گیاهان پبازی مختلف و اقدرا در آنجا می‌روید: همچنین گیاهی که بیش از همه یافت می‌شود ریواس است. خشک کردن گیاهان پباز دار و آبدار برایم موفقیت آمیز نیست. با وجود اینکه هر روز کاغذهای خشک کن را عوض می‌کنم معه‌ذا گیاهان به‌خصوص گلها رنگ طبیعی خود را از دست می‌دهند."

او در مسافرت لرستان گیاهان گهر آب را جمع‌آوری می‌کند و هنگام انتقال بسته‌های گیاهان به سفید آب همه آنها بررودخانه می‌افتد پس از آنکه از آب گرفته می‌شود، اغلب گیاهان سیاه شده و کفک زده بودند، که همه آنها دور ریخته می‌شوند. اشتراوس در نامه ۱۳ ژوئیه ۱۸۸۹ به هاوسکنخت در باره این واقعه اینطور شرح می‌دهد:

به محض اینکه به قلعه رستم رسیدم میبایستی اغلب آنها را (گیاهان را) دور بیاندام بدلیل اینکه سیاه شده و کفک زده بودند. من گهر آب را نقاشی کرده و آن را برای شما میفرستم و امیدوارم این تجربه ابتدائی من شمارا ناراحت نکرده باشد. من در طول زندگی‌ام هیچوقت درس نقاشی نگرفته‌ام. در باره مسافرتم به تفصیل برایتان خواهم نوشت شاید بعضی مطالب آن برای شما جالب باشد."

با وجود مشکلات زیادی که در مسافرت‌ها برای اشتراوس پیش می‌آمد او همیشه از فعالیت هایش در خدمت بعلم طبیعی راضی بود. در سپتامبر ۱۸۸۹ دو بسته بزرگ گیاهان خشک را به هر بار یوم هاوسکنخت در وایمار فرستاد.

اشتراوس در سلطان‌آباد در یک قطعه زمینی باغ بزرگی احداث کرد و گیاهانی را که در مسافرت‌هایش همراه می‌آورد در آن باغ کشت می‌نمود بعلاوه او درختان و درختچه‌هایی نیز از اروپا آورده و در باغ خود میکاشت. در مورد آبیاری او از یک سیستم کانال کشی استفاده کرده و آبهای کوهستان را بانهر به پارک هدایت می‌کرده و در آنجا استخرها و حوضچه‌هایی احداث نمود. در وسط این پارک دوخانه که نقشه آنها را خود داده بود بنا کرد.

همانطور که قبلا اشاره شد اشتراوس گیاه شناس نبود ولی او بسیار علاقمند بود که از طریق خواهموزی گیاهان اطراف خود را بشناسد. تنها کتابی که اشتراوس داشت "

"فلوراریانتالیس" بواسیه^۱ بود. در آن زمان آن تنها کتاب معتبر در باره گیاهان شرق بود. در فلوراریانتالیس "به گیاهان غرب ایران کمتر اشاره شده است زیرا تا آن زمان در این منطقه جمع آوری گیاه انجام نگرفته بود. می توان گفت که اشتراوس پیشقراول جمع آوری گیاه در این منطقه بود و همانطور که بورنمولر (۱۹۵۵) می نویسد او مجموعه "پرارزشی" جمع آوری کرد و آنها را به هاوسکنخت که معروفترین گیاهشناس در شناسائی فلور ایران بود فرستاد.

تخودور اشتراوس علاوه بر جمع آوری گیاهان، شکل آنها را نیز در کتابچه ها با آبرنگ نقاشی می کرد نقاشیهای او از مناظر طبیعی غرب ایران و تصاویر گیاهان منطقه از طرف وراث او به هرباریوم هاوسکنخت درینا تحویل داده شده است.

اشتراوس تقریباً "بعد از ۱۵ سال که وطن خود را ترک گفته بود، در ژانویه ۱۸۹۱ برای اولین بار برای گذراندن تعطیلات خود عازم اروپا شد. او در وایمار با هاوسکنخت ملاقات کرد. سال بعد یعنی در ۱۸۹۲ بورنمولر در مسافرت خود بایران شش روز مهمان اشتراوس در سلطان آباد شد. باین ترتیب اشتراوس با دو گیاهشناس برجسته عصر خود که در فلور شرق نزدیک بررسی می کردند دوستی صمیمانه ای پیدا کرد.

در مارس ۱۸۹۴ اشتراوس برای بار دوم بارویا سفر کرد. در این مسافرت او راه معمولی رشت باکورا انتخاب نکرد بلکه راه پرحادثه ای را در پیش گرفت. او از سلطان آباد راه افتاده و از طریق کرمانشاه - خانقین به بغداد رسید و از راه بیابان در ۱۹ مه خود را بدمشق رساند این مسافرت او دو ماه طول کشید. ۲۸ روز در بیابان بین بغداد و دمشق زندگی مشقت باری را تحمل کرد و علیرغم مشکلات زیاد از جمع آوری گیاهان روگردان نشد. او از دمشق به بیروت رفته و از طریق اورشلیم، مصر و ایتالیا به میهن خود بازگشت.

مسافرت بعدی او در ۱۹۰۵ شروع شد. ابتدا برای پیدا کردن قبر گیاه شناس فرانسوی اوشر - الو^۲ به جلفای اصفهان رفت. سپس مسافرت خود را سمت جنوب و سواحل خلیج فارس ادامه داده و از آنجا با کشتی به هندوستان، چین و ژاپن رفته و خود را با امریکای شمالی رساند. از امریکا از طریق اقیانوس اطلس با انگلستان مسافرت کرد. در انگلستان با دختر یک تاجر آلمانی که بعلت فعالیتهای جمهوریخواهانه مهاجرت کرده و با انگلستان پناهنده شده بود ازدواج کرد. نام آن خانم کلارا وایسته^۳ بود و ازدواج آنها

1- Boissier

2- Aucher-Eloy

3- Clara Weiste

در ۳ نوامبر ۱۹۰۰ در لندن انجام گرفت. شمره این ازدواج دو پسر و سه دختر بود. اشتراوس پس از مراجعت با ایران با وجود شرایط نامناسب و پرخطر واغتشاشاتی که در دهه اول قرن بیستم در ایران وجود داشت، دست از فعالیت برای جمع آوری گیاهان برنداشت. او دو نفر کرد را تعلیم داده و برای جمع آوری گیاهان بکوه میفرستاد. یکی از جمع آوری کنندگان کرد در بین راه از بیماری وبا در گذشت و دیگری در کار محوله تقلب می کرد. او در نامه ۲ ژانویه ۱۹۰۴ خود به بورنمولر اینطور می نویسد:

گیاهان بسته بندی شده ولی هنوز ارسال نگردیده است، زیرا هنوز کاروان مطمئنی برای جنوب پیدا نکرده ام. اما در حدود ده روز دیگر کاروانی براه خواهد افتاد. . . . در بین گیاهان نمونه هائی هست که درباره صحت محل جمع آوری آنها نمی توانم بشما اطمینان بدهم. زیرا دریافت نام جمع آوری کننده مرا گول زده است. او بمن اظهار داشته که بسیلاخور و اشترانکوه رفته است ولی من دریافتم که او فقط در کوه جال خاتون بوده است. بطور کلی شما می توانید در جائیکه من "محل جمع آوری نامطمئن" ذکر کرده ام، بجایش بنویسید "کوهی در نزدیکیهای سلطان آباد"."

اشتراوس در بهار سال ۱۹۰۴ مسافرت پر مخاطره ای در کوههای کرمانشاه، کنگاور، راشوند برای جمع آوری گیاه انجام داد که شرح آن را در نامه ۲ ژوئن همان سال به بورنمولر نوشته است. این مسافرتها با اسب انجام گرفت. گابریل (۱۹۵۲) می نویسد که اشتراوس فقط چهار مسافرت انجام داده است و این اشتباه است زیرا اشتراوس در طول اقامت سی ساله خود در ایران مسافرت های زیادی کرده است ولی فقط گزارش چهار مسافرت خود را منتشر کرده است، او بهتر از سایر مسافران اروپائی مانند رودلر^۱ و ساره^۲ غرب ایران را میشناخت و نقشه جاده هائی را که پیموده ترسیم کرده است.

اشتراوس مسافرت های سال ۱۹۰۵ خود را در نامه ۲۵ اوت ۱۹۰۵ اینطور شرح

می دهد:

"امسال مسافرت های زیر را انجام دادم:

(۱) گوریه - سنقر

(۲) سنقر - کنگاور

(۳) کرمانشاه به کوه شاهو

(۴) کنگاور - توپسیرگان - همدان

در ۱۹۰۶ اشتراوس می‌خواست که برای جمع آوری گیاهان کوههای چهل چشمه به کردستان برود ولی این مسافرت بعلت مشکلاتی متوقف گردید او در کوههای کردستان اسب ترکمنی خود را که آنرا بسیار دوست می‌داشت از دست داد . اشتراوس در سالهای ۱۹۰۸ - ۱۹۱۰ با وجود شورش ها و اغتشاشات که بخصوص غرب ایران را فرا گرفته بود ، از هر امکانی برای مسافرت و جمع آوری گیاه استفاده می‌کرد . او در نامه ۲۴ آوریل ۱۹۰۹ می‌نویسد :

"اینکه امسال بتوانم در مناطق جالبی گیاه جمع آوری کنم سوال انگیز است . همه جاشورش و ناامنی است ، "

او در یکی از گزارشات خود مسافرت پیرماجرای کوه پرو در کرمانشاهان را اینطور توصیف می‌کند :

"همراه سه نفر از مستخدمین خود مسافرتی بکوه پرو کردم که تا حال فقط بطور سطحی آنهارا دیده بودم . نزدیک ظهر بقله پوشیده از برف رسیدم و دوباره پائین برگشتم . در شکاف دیواره صخره‌ای یک کوسن عالی دیونیزی^۱ را در حال گل مشاهده کردم . باری کفش های خود را در آوردم و آخرین تلاشم را کردم تا به دیونیزی یا رسیدم و آنرا بدست آوردم می‌خواستم از شادی فریاد بزنم ، پایم سرخورد و با سراز شیب دیواره صخره‌ای پائین افتادم . پنج یا شش متر پائین تر به برآمدگی صخره‌ای آویزان شدم ، در ژرفای دهن باز کرده پائین مرگ وحشتناکی را بچشم دیدم کلاه خودهدنی من ضربه برآمدگی صخره را کمی کاهش داد . . . لباس هایم پاره شده و از بدنم آویزان شده بود کائلا " زخمی شده بودم بنظر می‌آمد که خرد شده‌ام . . . من زندگی را دوباره بازیافتیم . شاخه گیاه را هنگام سقوط محکم در دست نگهداشته بودم . "

اشتراوس دوستدار علم بود . مجمع عالی انجمن گیاه شناسی تورینگن در جلسه ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۷ او را بعضویت افتخاری خود انتخاب کرد . پروفیسور اشتال در خطابه خود اینچنین از اشتراوس تمجید و قدردانی کرده است .

آقای کنسول اشتراوس از لحاظ خدمت به تحقیقات گیاه شناسی در کردستان ، لرسنان و مناطق غرب ایران بخوبی شناخته شده است و انجمن گیاه شناسی تورینگن از او قدردانی می‌کند . او مجموعه بزرگ و پربارزش گیاهان ایران را به هاوسکنخت فرستاده که

1- Dionysia

که اکنون در هرباریوم هاوسکنخت نگهداری می شود .
 هاوسکنخت گیاهان جدید مجموعه اشتراوس را در چند مقاله کوچک انتشار داد .

بررسی کامل و انتشار مجموعه گیاهان اشتراوس بوسیله بورنمولر انجام گرفت .
 سه مقاله مفصل بورنمولر درباره گیاهان جمع آوری شده بوسیله اشتراوس که در یکی از مجلات معتبر گیاه شناسی آلمان منتشر گردیده است بشرح زیر معرفی می شوند :
 ۱ - گیاهان اشتراوس با فهرست گیاهانی که تفودور اشتراوس در سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۹ در ایران غربی جمع آوری کرده است^۱
 این مقاله در ۲۰۲ صفحه از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ در پنج شماره مجله چاپ گردیده است^۲ .

۲ - مجموعه جدید اشتراوس^۳ که در سه شماره همان مجله در سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۱ انتشار یافته است که ۲۴۱ صفحه می باشد .
 ۳ - آنچه از اشتراوس بجا مانده^۴

این فهرست در ۱۷۶ صفحه پس از مرگ اشتراوس در سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ منتشر شده است . نمونه های گیاهان جمع آوری شده بوسیله اشتراوس در هر بار یوم هاوسکنخت درینا نگهداری می شود نمونه های مکرر و چند نمونه منحصر بفرد در موزه گیاه شناسی برلین - داهلم می باشد که متأسفانه قسمتی از آن مجموعه در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۳ طعمه شعله های آتش شده و از بین رفت . تعداد کمی از نمونه های مکرر نیز در هر بار یومهای کیو ، موزه بریتانیا در لندن ، لنین گراد ، وین ، ژنو ، ورودکلاو ، بوداپست ، ادینبورو ولوند موجود است . در بین گیاهان اشتراوس در حدود ۳۰۰ تا برای دانش گیاه شناسی کشف جدیدی بوده است که بیش از سی گونه از آنها بنام او می باشد .
 اشتراوس علاوه بر گیاهان گلدار در سالهای ۱۹۰۳ - ۱۹۰۲ به جمع آوری نمونه های خزه ها و هیپاتیک ها نیز پرداخته است که تعداد کمی از آنها در ۱۹۰۸ بوسیله شیفر^۵ تشخیص و انتشار یافته است . مجموعه کامل خزه های اشتراوس را بورنمولر منتشر کرده است .

1- *Plantae Straussianae Sive enumeratio Plantarum a Th.*

Strauss annis 1889-1899 in Persia Occidentali

Collectarum.

2- *Beih. Bot. Centralb*

3- *Collectiones Straussianae novae.*

4- *Reliquiae Straussianae*

5- *Schiffner*

اشتراوس در اواخر عمر خود به بیماری سختی دچار شد که پزشکان آنرا سرطان معده تشخیص دادند. وقتیکه بیماری او بوخامت گرائید، با زن و پنج فرزندش کوه کوچکترین آنان یکسال داشت برای معالجه باروپا سفر کرد. ولی دیگر دیر شده بود و در ۲۸ دسامبر ۱۹۱۱ آن انسان خستگی ناپذیر و گیاه شناس آماتور در گذشت. جنازه او در شهر کوچک پاووزا^۱ واقع در تورینگن آلمان بخاک سپرده شد.

جمع آوری اشتراوس سنگ بنای فلور منطقه ایست که او مدت سی سال بعنوان وطن دوم خود انتخاب کرده بود. علاوه بر گیاه شناسان، جغرافیدان نیز از لحاظ شناسایی مناطق غربی ایران مدیون او هستند. گزارشات مربوط به بعضی از مسافرتهاى او در مجلات جغرافیائی آنزمان انتشار یافته است که به شرح زیر معرفی می شوند.

۱- مسافرتی به کهرآب در لرستان^۲

این گزارش در شش صفحه در ۱۸۹۰ در یک مجله جغرافیائی بینامنتشر گردیده است.

۲- مسافرتی از کرمانشاه به سیمره^۳ که در ۱۹۰۵ در هشت صفحه در همان مجله

چاپ شده است.

۳- مسافرتی در مرز شمالی لرستان (یا نقشه)^۴ در ۱۹۰۵ در هفت صفحه

انتشار یافته است.

۴- مسافرتی در ایران غربی (با نقشه)^۵ در ۱۹۱۱ در شش صفحه چاپ شده

است.

1- Pausa

2- Ein Ausflug nach dem Keher-e-Ab in Luristan

3- Ein Ausflug Von Kermanschah an den Seimere

4- Eine Reise an der Nordgrenze Luristans (mit karte)

5- Eine Reise in Westlichen Persien (mit karte)

References

- (1). Börnmüller, J. *Plantae Straussianae sive enumeratio plantarum a Th. Strauss annis 1889-1899 in Persia accidentali collectarum.*
Beih. Bot. Centralbl. Bd. XIX. Abt. II:195-270 (1905).
- (2). *Collectiones Straussianae novae. Weitere Beiträge zur Kenntnis der Flora West-Persiens.* Beih. Bot. Centralbl. Bd. XXVII. Abt. II 288-347 (1910)
- (3). *Reliquiae Straussianae. Weitere Beiträge zur Kenntnis der Flora des westlichen Persiens.* Beih. Bot. Centralbl. Bd. XXXII. Abt. II 349-419 (1914).
- (4). Gabriel, A. *Die Erforschung Persiens, Wien (1952).*
- (5). Kittl, E, *Beiträge zur Kenntniss der fossilen Säugethiere von Maragha in Persien. I. Carnivoren.*
Ann. K.K. Naturhist. Hofmus. 2:317-337 (1887).
- (6). Meyer, F.K. *Franz Theodor Strauss - ein Leben im Dienste der Wissenschaft.* Wiss. Ztschr. Friedrich-Schiller-Univ. Jena 24, Heft 4:477-497 (1975).